

بازخوانی کارکرد زبانی گیاهان مقدس در شاهنامه‌نگاری‌های قرن ۹ تا ۱۱ ه‍.ق

چکیده

امروزه تردیدی نیست هنرمندان بسیاری در درازای تاریخ بشر توانسته‌اند بارها مفاهیم ویژه‌ای در آثار خویش پنهان نگاه دارند. پدیده‌ای که مقاله پیش روی با بهره‌گیری از رویکرد تطبیقی همچنین میانجی‌گری داده‌های کمی و کیفی تحریر شده و با هدف تمیزدادن اسرار موجود در مکاتب هنری این گفت‌وگو سعی بر بازشناسی نشانه‌های آن دارد. نمادهایی که به‌دلیل نقش ارزشمند گیاهان از جمله پیوند با امور زیستی بشر، ساختاری تازه به خود گرفته‌اند. از این منظر، فرجام حاصل از پرسش مورد بررسی با عنوان «وظیفه عناصر گیاهی مقدس، در نگاره‌های شاهنامه مکاتب هرات، تبریز دوم و قزوین چیست؟» نشان می‌دهد بخشی از ویژگی‌های تصویری نگاره‌ها بسان شمار گیاهان، کارکرد سیمای سبز و گاه خشک آن را دگرگون کرده باشد. کنشی که انتظار می‌رود نقش شخصیتی تازه برای رسیدن به حکایتی شگرف بر عهده گرفته است. رخدادی که به نظر می‌رسد در نخستین گام با کاهش پنداشت‌های طبیعت‌گرایانه شکل گرفته و از پی آن رسالت آرایه‌های تزئینی و غیرتزئینی‌شان را وابسته به درک پیام خفته نگاره‌ها نموده‌اند تا فراخوانی پیش آید که با آرمان‌گرایی و خیال‌پردازی هنرمندان سده‌های ۹ تا ۱۱ ه‍.ق، بتواند صورت متفاوتی از داستانی دیرینه بازگو کند. در نهایت با آمیزش روایت موجود و تقلید از قالب‌های رایج، حاکم بی‌رقیب ذهن مخاطب شوند.

پدیده‌ای نوظهور و انتخابی شایسته، ناشی از ترکیب گونه‌های گیاهی مقدس، علوم متمایزی همانند میزان (اعداد) و آمار، تقسیم‌بندی فضا، جانمایی عناصر و

مزدک نظری

مربی گروه تلویزیون و هنرهای دیجیتال، مؤسسه آموزش عالی ارم، ایران، شیراز، نویسنده مسئول.

nazari.mazdak@gmail.com

افسانه تابع

مربی گروه گرافیک، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، ایران، شیراز.

afsaneh.tabe@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱-۰۷-۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱-۰۹-۰۹

1-DOI: 10.22051/PGR.2022.42050.1195

بدین لحاظ شمایل نقوش گیاهی پس از پرورش یافتن در پایان این دوره، شکل ساکنی به خود گرفته و تغییر ساختاری زیادی به نمایش نگذارده است.

از دیگر اظهارات موجود، متن مقاله نجفی و افشاری (۱۳۹۰) با روش توصیفی تحلیلی در زمینه «ویژگی‌های بصری درختان در نگارگری ایران» است که پیشرفت و تحول را شاخصه تاریخ نگارگری رستنی‌ها بیان می‌کند.

در ادامه، پژوهش پیامنی (۱۳۸۹) با موضوع «نگاهی به جایگاه درختان و گیاهان مقدس با تکیه بر باورهای عامیانه در شاهنامه فردوسی» بوده که به ظاهر با روش کیفی و کتابخانه‌ای به تحریر درآمده و فرجامی جز واریسی ویژگی‌های گیاهی شاهنامه و نیز ناآگاهی، پیچیدگی و ترس بشر ابتدایی از حوادث پیرامونی‌اش مطرح نمی‌کند.

در نهایت، پیامد استفاده از رستنی‌ها و پیشینه‌های کیفی بالا، کلیتی است در باب پنداشت‌هایی، استوار بر ترس‌ها و امیدها، آیین‌ها و آرزوها و نیز بازگفت‌های بینافرهنگی و تاریخی پیچیده و شیوه‌های به کارگیری سلسله گیاهانی که نگارنده موضوع حاضر سعی دارد به منظور نفوذ بر ساختار مستحکم، مقدس و اسرارآمیز غالب در آثار گذشتگان، هم‌سو با روش‌های آماری تشریح‌شده طی بندهای آتی، آن‌ها را به شکل متفاوتی رمزگشایی کند.

روش انجام پژوهش

این کنکاش به پشتوانه روش‌های علمی و کتابخانه‌ای و انگیزه اعتباربخشی به دستاوردهای تازه خود تلاش کرده بنیان نظریه‌هایش را با رویکرد تطبیق طولی و میانجیگری شیوه توصیفی تحلیلی و تجزیه و تحلیل کمی و کیفی سامان بخشد. در این میان جامعه آماری

دیگر ویژگی‌های موجود که مایه سنجش بازگفت‌های نوین هر مکتب گردیده است.

واژه‌های کلیدی: گیاهان مقدس، نگارگری، شاهنامه، مکتب هرات، مکتب تبریز دوم، مکتب قزوین.

مقدمه

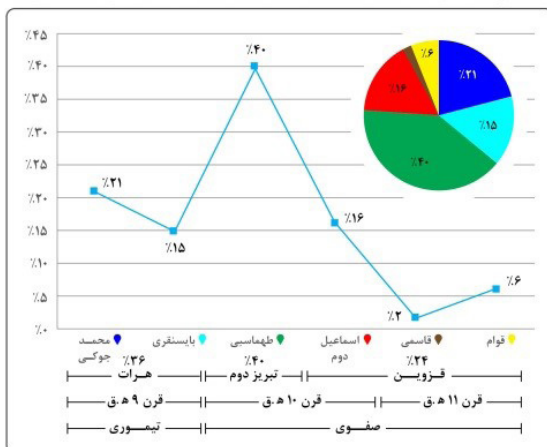
آنگاه که بیندیشیم در سرزمینی زندگی می‌کنیم که روابط میان اشکال و اجرام و پیروی از بازتاب‌های اجتماعی گذشته و حال، زندگی دنیوی و اخروی و همچنین من خلاق و اجتماعی ما را دگرگون می‌کند، در این هنگام چاره‌ای جز قرارگرفتن در چرخه چندهزار ساله حیات انسانی و گذار از تفکیک‌پذیری عوامل موجود در بیش‌متن‌ها و درک نکوتری از انجام و رخدادهای پیرامونمان نخواهیم داشت.

نگرشی که مقاله حاضر به دلیل نقش اثربخش طبیعت در امور اساسی بشر، شامل اکسیژن، غذا، پوشش و سرپناه رسیدگی به اجزای گیاهی^۱ را مدنظر قرار داده و هدف خود را بر تشخیص قابلیت‌های رمزآمیز دینی، فرهنگی و کیفیت پژوهاک آن در هنر و آمیزش ادبیات و نگارگری قلمروی باستانی ایران دیده است. در ادامه به سبب رمزگشایی از آثار برجای مانده، با این پرسش که «وظیفه عناصر گیاهی مقدس، در نگاره‌های شهنامه^۲ مکاتب هرات، تبریز دوم و قزوین چیست؟» مقایسه‌ای کوتاه میان اندیشه‌های (مکاتب) قرن ۹ تا ۱۱ ه.ق. در نظر آورده تا عامل شناخت افزون‌تری فراهم آید. بینشی که شاید بیش از پیش در تغییر نگاه واقع‌گرایانه یا خیال‌انگیز برخی مخاطبان به عناصر طبیعی موجود در آثار هنری دیرین ردگذار باشد.

پیشینه پژوهش

بدیهی است استفاده و اطلاع از تحقیق‌های علمی گذشته بینش وسیع‌تری در برابر نویسندگان و مخاطبان قرار خواهد داد؛ از این رو مقاله حاضر با بهره‌برداری از پژوهش‌های دانشورانه‌ای چون کتاب افضل‌طوسی (۱۳۹۷) با عنوان «طبیعت در هنر باستان» که فرجام باورهای نویسندگانش، انعکاس اندیشه‌ها، آرزوها، اعتقادات و انتخاب‌های انسانی در درازای تاریخ هنر بوده، جایگاه ارزشمند این عنصر طبیعی را بیش از پیش بر ما هویدا می‌کند؛ در همین راستا متن پایان‌نامه محمودی (۱۳۹۱) با سرنویس «سیر تحول نباتات و گیاهان در نگارگری ایران قرن ۷ تا ۱۰ ه.ق.» که با شیوه کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل استقرایی نگارش شده، چنین برمی‌آید که انعکاس هنر چینی و اثرپذیری هنرمندان از گیاهان روینده در ایران، خوی ملی‌گرایانه‌تری به نگارگری سده‌های یادشده بخشیده.

منحنی ۱: میزان بهره‌برداری از نگاره‌های مکاتب هرات، تبریز دوم و قزوین (نگارندگان).



متن پیش رو از راه تصادفی‌گزینشی یعنی ۱۵۰ نمونه از ۴۱۲ نگارهٔ رسم‌شده، مربوط به ۶ جلد از شاهنامه‌های مکاتب هرات، تبریز دوم و قزوین (محمدجوکی (۲۱ درصد)، بایسنقری (۱۵ درصد)، طهماسبی (۴۰ درصد)، اسماعیل دوم (۱۶ درصد)، قاسمی (۲ درصد) و قوام (۶ درصد))، با نسبت‌های عددی و زمانی مندرج در منحنی ۱ با عنوان «میزان بهره‌برداری از نگاره‌های مکاتب هرات، تبریز دوم و قزوین» وصف و بازخوانی خواهد شد. در این باب حدود استفاده از نگاره‌های قرون ۹ تا ۱۱ هـ.ق. به ترتیب ۳۶ و ۵۶ و ۸ درصد و از لحاظ سیر دوران تیموری و صفوی ۳۶ و ۶۴ درصد در نظر آمده و این در حالی است که گمان می‌رود کاستی‌های موجود به موجب تعداد نگاره‌های ترسیم‌شده در هر سده یا مکتب باشد.

مبانی نظری پژوهش

درآمدی بر آیین شاهنامه‌نگاری

در قرن اخیر، آنچه بیش از پیش در خصوص حرکت‌های اجتماعی می‌دانیم آن است که جنبش‌ها و انقلاب‌ها توانسته‌اند بارها هویت فرهنگی کشورها را دگرگون کرده، از پی آن پندارهایی نمادین برای ماندگاری کلام در ناخودآگاه بشر ایجاد کنند؛ همچنین کالبد هنری تازه‌ای ارائه نمایند. قالبی که مفاهیم اسطوره‌ای و مقدس (روحانی) جزو جدایی‌ناشدنی ساختار زبانی آن است و گفتمان هنری آن، آشکارا بر متن (اثر) و خوانشگر چیره می‌شود (طاهری، ۱۳۹۶: ۱۴-۱۲)؛ از این رو است که شاهنامه‌نگاری طی اعصار مختلف سنتی پایا از زیبایی در ذهن‌ها ایجاد کرده تا معیار فرهیختگی دولت‌ها به شمار رود.

به پشتوانهٔ این موضوع و در خلال دورانی که هنرهای گوناگون چون مانی‌نگاری^۲ با معیارهای مذهبی تازه، پس از پذیرش اسلام در ایران بنیان‌گذاری شد، یکی از قدیمی‌ترین شاهنامه‌ها، معروف به کمالاً پای در عرصهٔ هنر این سرزمین نهاد و تا سده‌های ۹ تا ۱۱ هـ.ق. با رخدادهای هنری متمایزی چون هرات، تبریز دوم و قزوین که محل بحث این مقاله است، پارس را صاحب مجموعه‌ای از نفیس‌ترین شاهنامه‌های تصویری کرد. برای مثال شاهنامهٔ بایسنقری و جوکی با مدیریت بایسنقر میرزا^۳ و برادرش از دودمان تیموری، شاهنامهٔ طهماسبی (هوتون^۴) با حمایت طهماسب میرزا^۵ و شاهنامه‌های شاه اسماعیل دوم^۶، قوام و قاسمی منسوب به قوام‌بن محمد شیرازی و میرمحمد قاسم^۷ از سلسلهٔ صفوی شکل گرفت (شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۹-۱۶۲ و ۸۰ و ۷۳ و ۴۸-۴۲؛ شایسته‌فر و لطیفیان، ۱۳۸۱: ۵۵).

در کنار این موضوع بسیاری از پژوهشگران معتقدند چهارچوب‌های اجتماعی گذشته موجب شده با نظر

داشت به جنگ‌ها، آیین‌ها، حکومت‌ها و وابستگی شدید انسان به طبیعت پیرامونی‌اش و تصرف در منابع آن، آمیزش چشمگیری با هنر موصوف صورت پذیرفته و ما نیز بدان معتقدیم. به عبارتی جغرافیای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را عامل نفوذ رخدادهای نوظهوری می‌دانند که از ارزشمندترین عناصر خیال‌انگیز طبیعی در دست‌ساخته‌های بشر به‌ویژه نگارگری، عناصر چهارگانه^۱ و گیاهی است که حیات و مرگ انسان را دستخوش حضور خود دارد و یادآور گونه‌هایی متفاوت از ایزدان باستانی (همانند سیاوش و پرسیاوشان^{۱۱}) و آیین‌های سپاسگزاری (چون جشن نوروز) در برابر آنان است (افضل‌طوسی، ۱۳۹۷: ۱۷۰ و ۱۶۷ و ۱۶-۱۴).

فرایندی که رویکردهای علمی به‌سان میزان^{۱۲} و روایت‌های زیباشناسانهٔ یگانه‌ای را در آغوش کشیده تا معانی خاموش بر ورق زرین نگارگری نقش ارزنده‌ای بازی کند و هنرمند زمان، حقایق متعالی آثارش را کارگزار هدایت ایرانیان کند. بدین سبب باور داریم به خجستگی مفاهیم به دست آمده و میانجیگری رستنی‌های موجود در باب برآورد خواش‌ها و نیازهای انسانی، گیاهان بخشی از صورت مقدس‌گونهٔ شاهنامه جلوه می‌نمایند (پیامنی، ۱۳۸۹: ۳۵)؛ عناصری که بنا به گفتهٔ صاحب‌نظران، نشانه‌های نمادین آن بر اساس تجسم فضایی چند زمانی و چند مکانی به‌صورت نامحسوس جلوه‌های اسطوره‌ای خود را نمایان می‌کنند (زارع‌زاده و یارعلی، ۱۳۹۸: ۱۳۸). پدیده‌ای که بنا به منطق یاکوبسن^{۱۳}، ترجمان نشانه‌های زبانی، تصویری و مقدس آن، می‌تواند ناتوانی در معانی مترادف را به همراه داشته یا با دگرگونی در شکل گفتار، مُراد از آن متفاوت شود (احمدی، ۱۳۹۵: ۷۲). ترجمانی که ممکن است به‌دلیل نوع و شرایط زندگی گیاهان (در زیر و روی زمین، آسمان) و بنیان‌های فکری گذشتگان بازایی و فناپذیری در چرخهٔ اُمال و حیات انسانی را نشانه رود (طاهری، ۱۳۹۶: ۳۱).

ویژگی‌هایی در باب سنت نگارگری ایران

در این زمینه آنچه ویکتور شکلوفسکی^{۱۴} در زمینهٔ آشنائزایی^{۱۵} و بیگانه‌زایی^{۱۶} هنر بیان می‌کند آغازگر این سخن پژوهشگران مقالهٔ پیش روی است که هنر خاصه در نگارگری و اندیشه‌های ایرانی-اسلامی دوران تیموری تا صفوی از طریق قاعده‌های آشنا و ماندگار موجب دگردیسی نگرش ما می‌شود (احمدی، ۱۳۹۵: ۴۸-۴۷). نگاهی که بر اساس روایت‌های گذشته مشخص است، هنرمندان سنت‌گرای فلات ایران با پافشاری بر ارزش‌ها و تکیه بر مفاهیم ذهنی، ذاتی و نمادین به شرح زیر شکل گرفته‌اند (شادقزوینی، ۱۳۸۹: ۶۰). ساختاری که اغلب بر خلاف آنچه ما به دنبالش

اعداد، شاخص پنهان در درک نگارگری

دیر زمانی است که اعداد بخشی از راهکار گفت‌وگوی علمی برای فروکاستن حلقهٔ ابهام و پذیرش ساده‌تر نتایج هر موضوع است. شیوه‌ای که متن حاضر از طریق جداول و نمودارها بدان پرداخته و گذشتگان از جمله هنرمندان دوران اسلامی با آیین‌های مذهبی خویش از آن بهره برده‌اند (علم میزان). راهکاری که با کاهش ارزش‌های مادی عناصر (دال)، شدت شوق نفس با آن اندازه‌گیری می‌شود و با گذر از آن ۱. کیفیت و مفهوم تازه‌ای از عقل، نفس، طبیعت و هر آنچه در پیرامونشان وجود دارد ارائه می‌شود. به عبارتی پیوندی ژرف میان ماده (در اینجا گیاهان) با انگاشت‌های اخلاقی، مذهبی، علمی، خیالی و در کل تعادل جهان برقرار می‌کند. با وصف بر این، ایمان داریم رمزها در قالب نشانه‌های طبیعی و آشکار در نگاره‌ها مستقر می‌شوند. اسراری که از ناخودآگاه فردی یا جمعی ناشی شده و آن هنگام که موقعیت فراهم باشد رشد کرده، سرچشمهٔ فرابشری خود را هویدا می‌سازد و آنگاه که وضعیت دگرگون شود، اسرار درونی‌اش فرو می‌گاهد (کربن، ۱۳۹۰: ۱۵۰-۸۷ و ۴۴ و ۴۲-۴۱)؛ بنابراین نوع تعبیر می‌تواند هم به شکوفایی و هم مرگ رموز پنهان در گیاهان نگاره‌های بحث‌شدهٔ ما بینجامد. از این منظر کوشش گردیده گزارشی از تعداد نگاره‌ها و گیاهان مقدس ترسیم‌شده در سه‌نماه‌ها به تفکیک نوع (خزان‌پذیر و خزان‌ناپذیر و...)، یکتایی (فرد و زوج‌بودن)، موقعیت و شمارگان هر بخش به‌صورت جدول و نمودار جداگانه تهیه و مقایسه‌ای زمانی صورت پذیرد. تکاپویی که در آغاز کار مشخص شد طی جدول ۱ تعداد تمثیل‌های مقدس بر اساس ستون‌گونه (خزان‌پذیری و غیر آن)، از همانندی ویژه‌ای برخوردارند پیشامدی هم‌سو با ساختار خطی X ، L و W شکل منحنی‌های ۲ و ۳ و ۴ که ساختمان بصری و محتوایی شاهنامه‌نگاری‌های دوران موصوف را زیر چتر مفاهیم آماری و ریاضی‌گونه کمابیش یکسان پنهان کرده است.

جدول ۱: بیشترین نگاره‌ها و گیاهان مقدس مکاتب هرات، تبریز دوم و قزوین (نگارندگان).

شاهنامه	بیشینه تعداد گیاهان رسم شده در هر نگاره	بیشینه تعداد نگاره‌های دارای گیاهان	
		خزان‌ناپذیر	خزان‌پذیر
محمد جوگی	۱۴	فرد	فرد
بایسنقری	۳۴	فرد	فرد
طهما سببی	۲۷	فرد	فرد
شاه اسماعیل دوم	۱۸	فرد	فرد
قاسمی	۲۰	زوج	زوج
قوام	۶	زوج	زوج

هستیم شکل ظاهری و تزئینی گیاهان بحث‌شده را هدف قرار داده است.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد طی سده‌های دراز، رخسار آشنای آرایه‌های گیاهی در پرتوی هویت هنری گذشتهٔ خویش با پیچ‌وتاب‌های اغراق‌آمیز عرضه شده است (خاتمی، ۱۳۹۰: ۱۱۵؛ شریف‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۷۰)؛ چکیده‌نگاری، در تزئینی‌نمودن رستنی‌ها گران‌بها شمرده شده. کامل‌ترین زاویهٔ دید و موقعیت برای آنان در نظر آمده است (نجفی و افشاری، ۱۳۹۰: ۸۵-۸۲). رنگ‌های طبیعی و گاه ناهمگون، با در نظر گرفتن عمق‌نمایی نامتعارف، ترکیب‌بندی‌های پرتحرک فشرده شده، در جمع‌ناب‌ترین اجزای هر نگاره معرفی شده (شایسته‌فر و لطیفیان، ۱۳۸۱: ۵۵) تا بدین باور رسیم که شاید نگارگران روزگار کهن به‌منظور دوری جستن از تقلید محض در ترسیم رستنی‌ها، مفاهیم درونی و استعاری عناصر گیاهی و روحانی را پایه‌های اسرار هنری خویش گردانیده‌اند.

قابلی که توانایی آن را دارد با تمرکز بر نام‌های قدسی پوشیده در ترتیب و توالی اشکال (علم اعداد)، انسان را به تفکر وادارد (خلج‌امیرحسینی، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۲ و ۳۴؛ شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۷۰ و ۲۶۷ و ۲۵۴ و ۷۵)؛ در نهایت ترکیب موارد یادشده زمینه‌ساز قبول فضای جدیدی شود که نه بر شالودهٔ رابطه‌ای حقیقی، بلکه مدیون خیال‌پردازی و آزادی شخص واقعی شود (خاتمی، ۱۳۹۰: ۱۴۵-۱۳۵؛ احمدی، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۶). کلامی که نزدیک به مقصود میخائیل باختین^{۱۷} است.

او ایمان داشت متن (در اینجا شاهنامه‌نگاری)، نسبت میان مُراد خالق است با تفسیر خواننده؛ به‌گونه‌ای که در زمان خوانش، اگر مخاطب آرمانی که تمامی مفاهیم را دریابد وجود نداشته باشد، در خلال زایش اثر، مؤلف، آن را در ذهن خویش می‌آفریند (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۴). با چنین الگویی انگارهٔ گل‌ها و درختانی به‌سان زندگی^{۱۸}، هوم^{۱۹}، سرو، چنار، زیتون، انگور، نیلوفر و بسیاری دیگر از گیاهان، شاخصهٔ تفکر اسطوره‌ای دوران گذشته می‌شوند و معیار زیبایی‌شناسانه‌اش تغییر می‌یابد (افضل‌طوسی، ۱۳۹۷: ۲۴۵-۲۱۷) یا به فرض قبول روایت‌های غیرواقعی و گفتهٔ رولان بارت^{۲۰} زنجیرهٔ نشانه‌شناسانه‌ای از اسطوره شکل خواهد گرفت که فردا دلالت معنایی متفاوتی دارد (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۲۹). بر این اساس نگارندگان معتقدند، گیاهان محل بحث در نگاره‌های متن حاضر، صرفاً کارکرد طبیعی ندارند؛ بلکه در کنار قالب طبیعت‌گرایانه‌شان، مفهوم یا روایت تازه‌ای در آن نهفته است که رجوع به ساختار عددی آن‌ها دید جدیدی در مقابل ما قرار خواهد داد.

به‌طوری که بنا به جدول ۱ از شاهنامه محمد جوکی تا شاه اسماعیل دوم، تعداد تصویرسازی‌های موجود و دسته‌بندی‌های صورت‌پذیرفته، فرد و از قاسمی تا قوام، زوج ارزیابی می‌شود؛ همچنین تفاوت‌هایی بر پایه بیش‌ترین رستنی‌های ترسیم شده در ستون نخست به چشم می‌خورد که جلوتر در خصوص آن گفت‌وگو خواهد شد. پیشامدهایی که معتقدیم بر حسب تصادف شکل نگرفته و نویدبخش پیامی تازه است.

سازش‌هایی با ساختار گیاهی

اکنون نگارندگان مقاله پیش رو در باب بده‌بستان‌های فنی و ماهیت رستنی‌ها معتقدند، آنچه قادر است ژرفای مفاهیم تصویری را بیش از پیش آشکار کند، وجه پراگماتیک^{۲۱} آن خواهد بود. ساختاری که هر کس می‌تواند «بنا به عادت‌هایی که از نظم تصاویر [و شکل طبیعی اثر] دارد، از اندیشه‌ای به اندیشه‌ای دیگر راه یابد» (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۶). مَشی و مَشیانه^{۲۲} گواه نخستین روایت ایرانی از نیاکان گیاهی و چهارچوب موصوف می‌باشد (طاهری، ۱۳۹۶: ۳۴) و قرآن، ارزنده‌ترین تشبیه کلامی، دوران اسلامی به گیاهی تنومند با ریشه‌های عمیق، شاخ و برگ‌هایی گسترده و میوه‌هایی تازه است (خلج‌امیرحسینی، ۱۳۹۱: ۳۲). از این رو تاریخ نشان می‌دهد بازگفت‌های برجسته‌ای به منظور پاسداشت گیاهان و دگردیسی انگاشت‌ها و زبان، بدین شرح شکل گرفته: الف. دگرگونی انسان پس از مرگ ناجوانمردانه به رستنی‌ها؛ ب. زایش انسان به واسطه درخت، میوه و بذر؛ ج. سودمندی گیاهان در تغذیه، درمان و فناپذیری و دست آخر د. ارتباط با یک رخداد ازلی از جمله فرجام‌های حاصل‌شده در بسیاری از پژوهش‌های پیشین است (افضل‌طوسی، ۱۳۹۷: ۲۱۸-۲۱۷).

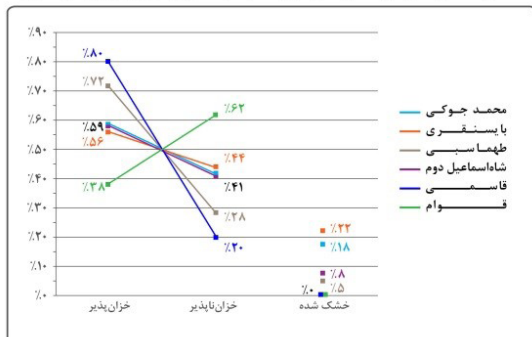
به‌دنبال شرایط ظاهری و پافشاری بر رخداد‌های تطبیقی جدول ۱ نگارندگان این مقاله گمان می‌دارند

تغییر فصل‌ها درنگی است دیگر، بر زیباسازی صورت، مفاهیم و اسرار شاهنامه‌نگاری‌های دوران تیموری و صفوی. به‌طوری که میانگین تعداد تمامی گیاهان در مکاتب هرات، تبریز دوم و قزوین روشن می‌کند، تفکیک‌پذیری به بخش‌های خزان‌پذیر (۷۹ درصد)، خزان‌ناپذیر (۱۷ درصد) و ثمره‌شان (۴ درصد) در کالبد مقدس (خزان‌پذیر ۶۴ درصد، خزان‌ناپذیر ۳۶ درصد) و غیر آن طبقه‌بندی مشخص و پایداری صورت پذیرفته که به تفکیک هر شاهنامه، در قالب منحنی‌های ۳ و ۲ به‌ترتیب در زمینه نسبت‌های خطی انواع گیاهان با میوه‌های موجود و نسبت مستقیم دو عامل خزان‌پذیری و خزان‌ناپذیری گیاهان مقدس در نگاره‌ها با یکدیگر ارائه شده‌اند.

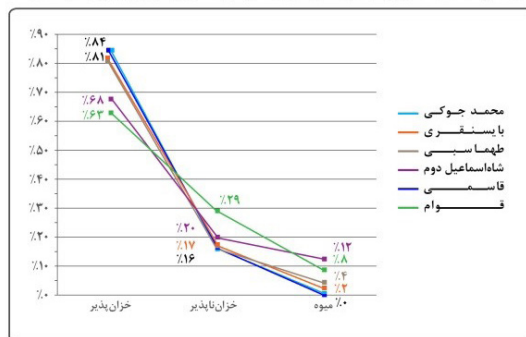
آماره‌ای که سخن از فاصله اندک هر بخش گیاهی نسبت به سایر نمونه‌های مشابه در دوران پیش از خود دارد، از سویی به دلیل فاصله زمانی تولید اثر، تغییرات چشمگیری از نخستین تا پایانی‌ترین نقطه رَصد نیز به چشم می‌خورد؛ اتفاقی که موجب شده میانگین نسبت خزان‌پذیری به خزان‌ناپذیری تمامی گیاهان ۴ به ۱ و در گیاهان مقدس یک به یک و نیم برآورد شود. بدین لحاظ آنچه بار دیگر در مقابل دیدگان ما قرار می‌گیرد، رسالت نگارگری است که با مخفی نگاه‌داشتن عوامل ریاضی‌گونه به‌دنبال هم‌نشینی اتفاقاتی تازه با سایر موارد گذشته است.

این در حالی است که به نظر می‌رسد با توجه به کم‌بارانی و بیابانی‌بودن دو سوم فلات ایران و تهدید کنندگی آن، نزدیک به ۱۲ درصد گیاهان (جداسازی‌شده طی منحنی ۳) با رخساری خشک به تصویر درآمده‌اند. نگاهی که گویی به‌سبب گونه‌های متفاوت گیاهی، همچنین سرزندگی و از میان رفتن آن‌ها، در اساطیر ایران به کمک نبرد تیشتر^{۲۳} با دیو خشکسالی ارزشمند دیده شده و همچون دیگر موارد، نقش تعیین‌کننده و مستقلی در نگاره‌ها دارند (دادور و روزبهانی، ۱۳۹۸: ۶۷ و ۶۵).

منحنی ۳: نسبت گیاهان مقدس نگاره‌های مکاتب هرات، تبریز دوم و قزوین (نگارندگان).



منحنی ۲: نسبت تمامی گیاهان نگاره‌های مکاتب هرات، تبریز دوم و قزوین (نگارندگان).



(احمدی، ۱۳۹۵: ۱۴۴) که شاهنامه نیز به آن حوزه تعلق دارد اشاره می‌کند.

جدول ۲: بخش‌بندی نگاره‌های مکاتب قرن ۹ تا ۱۱ ه.ق و میانگین گیاهی آن (نگارندگان).

بالا چپ ٪۲۳	بالا راست ٪۲۱
مرکز چپ ٪۷	مرکز راست ٪۸
پایین چپ ٪۱۸	پایین راست ٪۱۸

با چنین رویکردی قاب نگاره‌های اندیشه‌های هرات، تبریز دوم و قزوین که بر پایه بخش‌بندی‌های جدول ۲ و ریز آماری منحنی ۴ ترسیم شده، نشان از موقعیت سلسله گیاهانی با کیفیات بالا (الف، ب، ج) دارد. کم‌وبیش هر دو نیمه چپ و راست نگاره‌ها دارای تقارن بوده و گهگاه اندکی گل‌ها و درختان نیمه چپ و بالایی چارچوب نقاشی با ۲۳ درصد از شمارگان افزون‌تری برخوردارند. این در حالی است که نیمه مرکزی به دلیل استفاده ساختار شعاعی، از تعداد گیاهان متفاوتی بهره برده است.

ساختمانی در هم تنیده که تقارن چشمگیری با محاسبات پروپ نشان می‌دهد. وی از مسیر الگوسازی خویش بدین نتیجه رسیده بود، با وجود قصه‌ها و شخصیت‌های گوناگون هر داستان، عناصر ثابت و دائمی (همانند گیاهان در سیاهه حاضر) که در موقعیت‌های مشخصی قرار می‌گیرند، از نقش ویژه و سازنده شخصیت مستقلی حکایت دارد که شمار آن‌ها به سی‌ویک می‌رسد. مقداری که در مقایسه با

با وصف بر این چنین پنداشته می‌شود، عناصر گیاهی به‌زعم هم‌سویی با موارد دیرین به‌سان ویژگی‌های ظاهری و عددی مطرح شده، قالب پیچیده و مشخصی گرفته است؛ رویکردی که برابر نظریه هازلد بلوم^{۲۴} دلهره اثرپذیری (تقلید) سپس اثرگذاری در سنت‌ها و موجه جلوه‌دادن ایده‌های هنرمند نقش بسزایی در آن بازی می‌کند (بلخاری‌قهی، ۱۳۹۵: ۲۳۳-۲۳۴)؛ بدین معنا که گمان می‌شود هنرمند روزگار کهن سعی کرده در کنار حس تازگی، ساختار و پیام جدید در آثار خویش (تفاوت‌ها)، به‌منظور قبول تغییرات شکل گرفته از سوی تماشاگران همچون دگرگونی در نوع، تعداد و مفاهیم مستتر در گیاهان مقدس و هم‌سویی با تفکرات پیشین (شباهت‌ها) تا حدود زیادی شاخص‌های تقلیدی و تطبیقی با دوره‌های دیرین را مدنظر قرار دهد. رخدادی که سنت و مدرنیته زمان را در مجاورت یکدیگر قرار داده است.

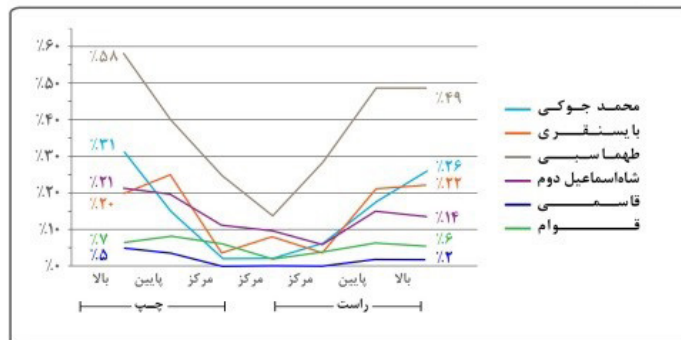
در این راستا چنین پنداشته می‌شود، برخی هنرمندان، آگاهانه یا ناخودآگاه، شاهنامه‌های منتسب (چون الف ۱. قاسمی و ب ۱. طهماسبی در نمودار ۲) را به دلیل ترس از بازخوردهای آتی با هیولای وجود یک اثر پذیرفته‌شده هنری، در سالیان دور یا نزدیک (نظیر الف ۲. جوکی و ب ۲. بایسنقری در نمودار ۲) مقایسه می‌کنند، آنگاه در برابرش تسلیم می‌شوند و بخشی از آفریده خود را مبتنی بر دیدگاه دیگران قرار می‌دهند یا به‌سان نگارگر شهنامه قوام در نمودار ۳ بدون ترس موج تازه‌ای به راه انداخته و فاصله بسیار با دوران پیش از خود می‌گیرند. از این‌رو است که باور داریم انحراف‌های احتمالی صورت‌نگران از نمونه اصلی، همچون برداشت ساختارگرایان امتیاز محسوب می‌شود (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۳۳). در پایان با این جهت‌گیری، آزادی خویش را بر معانی تازه‌ای بنیان می‌نهند. سنت‌ها را آغاز مسیر تازه‌ای می‌پندارند. نبوغ را در بستر تواضع به حق و از خودبیگانگی برآورد می‌کنند و چنان تلاش می‌نمایند که اصالت را با تقلیل توهم رئالیستی به رسمیت شناسند (بلخاری‌قهی، ۱۳۹۵: ۲۳۸-۲۳۴).

جانمایی رستنی‌ها در بستر مفاهیم کمی

با نظرداشت و پافشاری بر تعادل در اجزای هر اثر هنری، سال‌هاست سه دسته از موازنه‌های الف، متقارن^{۲۵}، ب. نامتقارن^{۲۶} و ج. شعاعی^{۲۷} به‌منظور عزل و نصب عناصر تجسمی استفاده شده است (اوکویرک و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۴۳).

پدیده‌ای که آرای برخی اندیشمندان فولکلور غربی، از جمله ولادیمیر پروپ^{۲۸} به‌جهت موارد سه‌گانه بالا (موازنه‌ها) همچنین مکان و تعداد آرایه‌ها، به‌سمت الگوسازی روایت‌های فرهنگ عامه و مقدس

منحنی ۴: میانگین موقعیت گیاهان در نگاره‌های مکاتب هرات، تبریز دوم و قزوین (نگارندگان).



شخصیت‌ها بنیان می‌نهد که دیگر هیچ راه چاره‌ای جز قبول روایت غیرواقعی و روحانی‌گونه نگاره موجود در شاهنامه سده‌های گذشته مدنظر مخاطب آرمانی قرار نگیرد.

یافته‌های پژوهش

اینک زمان آن رسیده به‌منظور درک شایسته مفاهیم پوشیده در خلال سده‌های ۹ تا ۱۱ ه‍.ق. و شیوه نگارش عناصر گیاهی و روحانی، در شاهنامه‌نگاری‌های مکاتب (اندیشه‌گاه‌های) هرات، تبریز دوم و قزوین و دست‌یازیدن به یک برآیند تازه، برجسته‌ترین فرضیات متن موجود در کنار هم ساکن شوند و یک نظر واحد ارائه شود. در این راستا شاید پذیرش برخی نظرات دشوار بنماید؛ اما اجازه دهید این موضوع نیز در کنار نظرات سایر پژوهشگران مسیر خود را پیماید.

بر اساس داده‌هایی که از دو حوزه آرای متفکران و نگاه آماري نگارندگان این مقاله نشأت گرفته، مشخص است عوامل متعددی سبب شده هنرمندان دوران مختلف فلات ایران، به‌منظور پیشبرد اهداف شخصی و گروهی همچنین پذیرش آن از سوی مخاطبان، به فرایندی پیچیده در حوزه هنر و ریاضیات کمی و کیفی (علم میزان) روی آورده‌اند. پدیده‌ای از جنس فرهنگی-سیاسی که با استفاده از الف. آیین‌ها و باورهای اسطوره‌ای گذشتگان، ب. پایبندی به ارزش‌های سنتی داستان، ج. نقش پندآموز و اجتماعی حکایت‌های شاهنامه و د. معیار سرن کشوری و لشکری این فلات پهناور، شمایل‌های گیاهی ویژه‌ای فراتر از یک عامل طبیعی و تزئینی به نمایش گذاشته شده.

فراخوانی که به نظر می‌رسد هنرمند ایرانی چه به‌صورت آگاهانه، ناآگاه، فردی یا جمعی برای رفع محدودیت‌های داستانی در نگاره شاهنامه‌های مطالعه‌شده عمل کرده باشد، با ترکیب عوامل متمایزی چون اعداد، تقسیم‌بندی فضا، جانمایی عناصر و...

آرامش خطی موجود در منحنی ۴ و ستون بیشینه تعداد گیاهان جدول ۱ (سی‌وچهار مورد) نزدیک به برداشت پروپ (یعنی تا سی‌ودو مورد) ارزیابی می‌شود. بدین اعتبار باور داریم گیاهان رسم‌شده در مکاتب دوران تیموری و صفوی، همچون شخصیت‌های سنجش‌شده داستان‌های ایشان، نقش مشخصی به عهده گرفته‌اند که پیش از این داده‌ها و فرضیات تحقیق تا حدودی این نقش‌سازنده را نمایان کرده بود.

همچنین پروپ معتقد بود جایگزینی و توالی نقش‌های ویژه همواره یکسان است. تمامی حکایت‌ها از دیدگاه ساختاری به یکدیگر شبیه هستند و از پی آن هر طرح، اشاره به روایت ناقصی از ماجرای اصلی دارد. دیدگاهی که شمار نگاره‌های دارای گیاهان مقدس و به تبع آن فرد یا زوج بودن آنان در قالب جدول یادشده (جدول ۱) به یاری آن‌ها شتافته و شخصیت‌پردازی هفتگانه پروپ شامل ۱. قهرمانی جست‌وجوگر، ۲. شاه‌دخت یا زنی نیکوکار، ۳. بخشنده یا پیشگوی وفادار، ۴. دوستان و یاوران قهرمان، ۵. بدکارگان داستان، ۶. مأموریت‌دهندگان و در نهایت ۷. پهلوان دروغینی را به عرصه خیالی حکایت‌های شاهنامه با مجالس اغلب رزمی، بزمی و تاریخی کشانده است (همان: ۱۴۷ و ۱۴۵). با چنین نگرشی به نظر می‌رسد هنرمند دینی یا همانا نگارگر ایرانی روایت شخصیت‌های انسانی، حیوانی یا گیاهی را بانی حفظ و احیای عناصر رفتاری گردانیده، آرمان‌گرایی با تکیه بر اعمال قهرمانان را با ترکیبی از روح قومی با شاخص سنت مبنای قرار می‌دهد (شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۵؛ خاتمی، ۱۳۹۰: ۱۴۵-۱۳۵)، تبدیل باورهای مقدس اساطیری که دیگر در دین جایی ندارند به اعتقاد‌های داستانی و پهلوانی ممکن می‌کند. استفاده از مفاهیم اعداد به‌منظور بزرگ یا کوچک جلوه‌دادن اشخاص یا رویدادها را استوار می‌کند (حجازی، ۱۳۸۱: ۲۵۳؛ پیامی، ۱۳۸۹: ۳۶) و آن‌چنان سازه‌ای پایدار با شاخص‌های جایگاه و تعداد

شکل، مستقر در منحنی ۴ که نسبت به سایر موارد از فاصله آماری بیشتری برخوردارند، نشان از تقارن ویژه موقعیت‌های مکانی گیاهان مستقر در هر کتاب مصور دارد؛ ۸. از دیگر سو تعادل در موازنه (مقارن، نامتقارن و شعاعی) جایگاه گیاهان از جمله موارد مشترکی است که در اغلب دوره‌ها به‌شیوه خود از آن بهره برده‌اند؛ ۹. نسبت تمامی گیاهان خزان‌پذیر به خزان‌ناپذیر در دودمان مورد گفت‌وگو ۴ به ۱ و در گیاهان مقدس یک به یک و نیم سنجیده می‌شود؛ ۱۰. بر اساس شاخص جایگزینی و توالی نقش‌های ویژه پروپ که نیازمند شباهت‌ها، هم‌سویی ساختاری و تعداد مشخص عناصر گیاهی ثابت در تک‌نگاره‌ها است، طی بندهای پیشین تا حدود زیادی شباهت‌های ضمنی آن به اثبات رسیده و معادل ۳۲ شخصیت مستقل حکایت‌های پروپ با کمی تعدیل تا ۳۴ مورد عنصر گیاهی طی جدول ۱ در تک‌نگاره‌ها شمارش شده.

بدین ترتیب معتقدیم تمامی رخدادهای پدیدآمده (شباهت‌ها و تفاوت‌ها) و هم‌سویی شکل‌گرفته در آن‌ها اتفاقی نبوده و نظریه پروپ، در روایتی ایرانی‌زده شده را قوت بخشیده. تعبیری که ایمان داریم نقش کارا بر هویدانمودن امر پوشیده و هویت‌سازی افزون‌تر برای فرهنگ پارس به همراه داشته، همچنین با فرض قبول باورهای علمی گذشتگان و نظریه پروپ شاهدی بر کژی یا حسن رفتار شخصیت‌های جدید شاهنامه خواهیم بود.

به هر رو سلسله‌مراتب فرایند موجود در گیاهان مقدس این متن، بازگو کننده صورتی متمایز از نگاه ناقص و رئالیستی صرف با اصول، باورها و نگرش نگارگری است که به پشته‌توان جنبش‌های هنری و ذهن کنکاش‌گرش توانایی دگرگونی هر مدلولی دارد. مدلولی که بر اساس باور صاحب‌نظران روسی می‌تواند امروز از گونه رستنی‌ها و دگر روز شکل متفاوتی گیرد، هنگامی جنبه طبیعی آن مدنظر باشد یا دیر زمانی به‌عنوان شخصیتی انسانی، ناظر بر اعمال بازبگرنان داستان، جایگاه خویش را تثبیت کند. ساعتی چند یاور قهرمان داستان، به وقتی دیگر دشمن لگام‌گسیخته‌ای برای وی باشد.

بنابراین آنچه از این پژوهش برمی‌آید افق دید و قوانین تازه هنرمندی است که به‌منظور استحاله روایت‌های پیشین شاهنامه، طرح چيستانی تازه با بازبگرانی جدید در انداخته و مخاطب را خوانشگری آرمانی پنداشته که اراده وی را برای رسیدن به اخلاق والا درک می‌کند.

با این وصف، رواست بپذیریم اشعار حماسی شاهنامه با وجود ترجمان تصویری دقیق نگارگر از حکایت نخست، رخداد زبانی متفاوتی است که بر اساس هم‌نشینی موارد موجود، دگرگونی معنایی ویژه‌ای

نیازها و نشانه‌های گیاهی مقدس و غیر آن را نگاهی نو ارزیابی داشته و مایه سنجش بازگفت‌های موجود نهاده و به‌رغم تمام تنگناها، گمانه‌زنی به‌نظور شکل‌گیری داستانی تازه و بن‌مایه‌های افسانه‌ای نوین در دل روایتی روشن (نمونه اصلی) را قدرت بخشیده تا محتوای تصویری نگارگر با هدفی نامتعارف بیان شود و به‌گفته صاحب‌نظران ریخت‌شناس و فرمالیست روسی (یاکوبسن، شکوفسکی، باختین و پروپ) عوامل تصویری آشنا، با شاخص‌های ذهنی، زبانی و اندیشه مؤلف دگرگون شود.

قابلی که با تطبیق بر نظریه اعداد کیفی گذشتگان و الگوی محاسباتی پروپ با تقسیم گیاهان به گونه‌های مختلف (خزان‌پذیر، خزان‌ناپذیر، خشک یا تر، دارای میوه و بدون آن و غیره) و یاری وجه کاربردی زبان، درصدد توسعه پنهانی شخصیت داستانی تازه‌ای است که حضور یا نبود آن را بارها بر مخاطبش دیکته می‌کند. شخصیت‌هایی با صفات انسانی یا حیوانی و جایگاه بشری.

از پی این موضوع علاوه بر ویژگی‌های خاص و ظاهری سنت نگارگری در ایران، شباهت و تفاوت‌های نزول یا صعود میان داده‌های خطی هر منحنی (۲ و ۳ و ۴) و جداول (۱ و ۲) دلیل دیگری بر وجه تقلیدی و امتیازات ساختاری هر مکتب خواهد بود.

برای نمونه احتمالاتی که نتایج داستان بازگو شده از سوی فردوسی بزرگ را در برابر سویی جدید و روایت هنرمندان نگارگر قرار می‌دهد به این شرح است:

۱. با وجود کاهش تعداد نگاره‌های دارای گیاهان مقدس تا انتهای قرن یازدهم هجری قمری، شباهت‌های ضمنی آثار با دوره‌های قبل و بعد از خود یکسان است؛ ۲. بر اساس هماهنگی به وجودآمده طی جدول ۱ و فارغ از تعداد جامعه آماری، تعداد تصویرسازی‌های دارای ترسیمات گیاهی تا پایان قرن دهم فرد و از آن پس زوج ارزیابی می‌شود؛ ۳. هماهنگی خطوط L شکل داده‌های منحنی ۲ مبنی بر نسبت‌های سه‌گانه گیاهی (خزان‌پذیر، خزان‌ناپذیر و میوه‌ها) نشان از وجه تقلیدی، و فاصله میان آن‌ها تأکید بر تمایز نگرش‌های نگارگر داشته است؛ ۴. در همین راستا فرم خطی X در منحنی ۳ که در باب نسبت‌های اصلی (خزان‌پذیری و خزان‌ناپذیری) رستنی‌های مقدس ردیف قبل ایجاد شده دوباره ساختار همسان و گاه متفاوتی ایجاد کرده؛ ۵. نپایان کردن گیاهان مقدس در مجاورت سایر گیاهان بر پایه رابطه موجود در نمودار ۲ و ۳؛ ۶. بخش تفکیک‌شده گیاهان خشک در منحنی ۳ که با فرصت‌های اسطوره‌ای به دست آمده از نیاکانمان هم‌پیمان شده، هماهنگی و نابرابری ذهنی هنرمندان را بیش از پیش هویدا می‌کند؛ ۷. در ادامه با تعدیل داده‌های W

پی‌نوشت:

- ۱- به آن دسته از رستنی‌ها که از زمین می‌رویند و پیشینه اوستایی آن واژه «دار» است، گیاه گفته می‌شود (واژه‌یاب؛ طاهری، ۱۳۹۶: ۳۳-۳۴).
 - ۲- این کتاب روایت تاریخی، اسطوره‌ای و حماسی سرزمین ایران است که سینه‌به‌سینه از نسلی به‌نسل دیگر منتقل شده، حکیم ابوالقاسم فردوسی از جمله مهم‌ترین شاعران این مجموعه شعر به حساب می‌آید (شریف‌زاده، ۱۳۹۱: ۹ و ۷).
 - ۳- نوعی کتاب‌آرایی و تصویرسازی که مانعی، بنیان‌گذار آیین مانوی، آن را برای درک بهتر متون مذهبی شکل داد (منبع: نگارندگان).
 - ۴- قدیمی‌ترین شاهنامه تصویرسازی شده دوران سلجوقی که در اختیار بنیاد شرق‌شناسی کاما در هندوستان است (شریف‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۲).
 - ۵- از نوادگان تیمور لنگ و پسر شاهرخ که در آن زمان هنرمندان را زیر چتر خود آورده بود (شریف‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۲)
 - ۶- به دلیل مالک‌شدن شاهنامه طهماسبی توسط آرتور هوتون به شاهنامه هوتون نیز مشهور است (شریف‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۶).
 - ۷- ولیعهد اولین پادشاهی دودمان صفوی که شیفته هنر بود و نقاشان کارگاه تبریز برای وی نقش‌آفرینی می‌کردند (شریف‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۶).
 - ۸- از حاکمان دودمان صفوی که نسبت وی به شیخ صفی‌الدین اردبیلی از مشایخ صوفی قرن هفتم و هشتم هجری قمری می‌رسد (شریف‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۵)
 - ۹- سراینده کتاب شاهنامه قاسمی و از نوادگان پیشوا و مقتدای عصر صفوی است (شریف‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶۳)
 - ۱۰- اشاره به آب، باد، خاک، آتش و نماد چلیپا است (افضل‌طوسی، ۱۳۹۷: ۱۷۰ و ۱۶۸-۱۶۷).
 - ۱۱- اشاره به روایت بریدن سر سیاوش به دست افراسیاب در شاهنامه و رویش گیاهی به نام پرسیاوشان از خون ریخته‌شده بر روی زمین است (نگارنده).
 - ۱۲- در عرفان اسلامی علم تطابق‌ها را میزان (Science of the Balance) نامند و مفهوم آن بسته به اشیایی که موضوع آن قرار می‌گیرند متفاوت است؛ به‌طوری که گفته می‌شود برداشت علم مذکور از اعداد، کیفی است (کربن، ۱۳۹۰: ۸۸-۸۷).
 - ۱۳- رومن یاکوبسن از جمله زبان‌شناسان و فرمالیست‌های روسی قرن بیستم میلادی است که نظریه‌های ارزشمندی در زمینه اسطوره‌ها و فولکلور ملت‌ها ارائه کرده است (احمدی، ۱۳۹۵: ۶۵).
- 14-Victor Shoklovsky
نویسنده متولد ۱۸۹۳ میلادی و از متفکران سرشناس مکتب فرمالیست روسی است (احمدی، ۱۳۹۵: ۴۰-۳۹).
- ۱۵- به‌معنای تغییر هر چیز آشنا، ماندگار و واقعی به‌صورت آگاهانه و ناآگاه در هنر است (احمدی، ۱۳۹۵: ۴۸-۴۷).
- ۱۶- آشناکردن هر آنچه پیشتر بیگانه می‌نمود (احمدی، ۱۳۹۵: ۴۸).
- 17-Mikhail Bakhtine
از اندیشمندان و نظریه‌پردازان برجسته ادبی سده بیستم شوروی در علوم اجتماعی است (احمدی، ۱۳۹۵: ۹۳).
- ۱۸- در اساطیر ایران درخت یا گیاهی است کیهانی که با مفاهیمی چون بی‌مرگی و جاودانگی از آن یاد شده همچنین گفته می‌شود حاصل خوردن میوه آن شفا، معرفت و دانش خواهد بود (افضل‌طوسی، ۱۳۹۷: ۲۱۸).

دارد و همان‌طور که صاحب‌نظران بسیاری مطرح کرده‌اند برگردان شعری در هر کالبدی باشد نتیجه تعبیر گردآورنده اثر (در اینجا نگارگر) خواهد بود. نظر به اینکه گمانه‌زنی‌ها از ابزاری بودن گل‌ها و درختان مقدس در جهت کمک به محتوایی حکایت دارد که توجیه کارکرد آن را در گذار اندیشه‌ها یا در ارتباط میان افراد جست‌وجو می‌کند؛ بدین اعتبار پارهای از قالب‌های هنری موجود شایستگی تفسیر و نظریه‌پردازی دوباره را خواهند داشت.

نتیجه‌گیری

به‌طور یقین با توصیف‌های صورت‌گرفته بر کسی پوشیده نیست، آنچه از متن روبه‌رو به منظور پاسخ به نقش یا وظیفه ذاتی گیاهان مقدس در نگاره شاهنامه‌های دودمان تیموری و صفوی هویدا می‌شود به شرح زیر باشد:

۱. آرایه‌های گیاهی دوران مذکور به‌موجب جغرافیای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زمان، نقش دوگانه الف. تربینی (ظاهری) و ب. غیرتربینی (ضمنی) گرفته‌اند که گاه با انگیزه زیباسازی فضا یا تغییر زمانی روایت در فراگرد داستانی خیالین و گاه شخصیت‌سازی نوین بر هنر پارس جاری شده است؛
۲. در همین راستا به نظر می‌رسد گیاهان بحث حاضر به موجب شکل‌گیری شخصیت‌های ضمنی مستتر در آن، نقش شاهدهی خاموش یا نکوهش‌گر تاریخ رفتاری بشر را به عهده گرفته باشد؛
۳. یا به اقتضای زمان و تشخیص مؤلف و مخاطب آرمانی‌اش، داستانی نو در دل نمایش‌نامه‌ای کهن بیان می‌کند؛
۴. یا به دلیل فرایند رشد رستنی‌ها، نگرش مذهبی نگارگر، وظیفه جابه‌جایی مرزهای زبانی با تکیه بر عمر بی‌پایان و روایتی تازه را عهده‌دار شده است.
- ساختاری که هم‌سویی ارزشمندی با پژوهش‌های گذشته دارد، ولی تاکنون در خلوت نگاره‌ها (تکن‌گاره) توانایی رمزگشایی آن با چنین ویژگی‌هایی وجود نداشته است، مگر با گردآوری داده‌هایی که بر پایه آمار در تمامی نگاره‌ها روشن شده باشد.
۵. بنابراین انتظار می‌رود با وجود تمام پرده‌پوشی‌های هنرمند، نسبت‌های ستانده‌شده گیاهی (رخدادهای آماری) قسمتی از اثربخشی کلاسیک آثار را سبب شده (پابندی به ارزش‌های گذشته) و مقام گل‌ها و درختان را دستخوش تغییرات بنیادین و روحانی‌گونه خویش کرده باشند. مخاطب آرمانی‌اش را در پی حقیقتی ناآشنا در برابر خویش قرار دهد و به امید آرمان شهری گام نهد که تاکنون تنی ندیده.

24-Harold Bloom

از نویسندگان مطرح قرن بیستم آمریکا است (بلخاری قهی، ۱۳۹۵: ۲۳۳).

۲۵- از جمله اصول بنیادین هنر که بر نظم و قاعده مشخص استوار است (اوکویبرک و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۴۳).

۲۶- ساختاری نامنظم که تنوع و آزادی عمل بیش‌تری در اختیار هنرمند قرار می‌دهد (اوکویبرک و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۴۳).

۲۷- این نوع از تعادل ویژگی‌هایی همچون گونه متقارن داشته و در کنار آن دارای نقطه اتکایی در مرکز است (اوکویبرک و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۴۳).

28-Vladimir Propp

(۱۸۹۵-۱۹۷۰م) ریخت‌شناس، مردم‌شناس و رئیس بخش فولکلور دانشگاه لنینگراد روسیه (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۴۴).

۱۹- در باور ایرانیان، این درخت همیشه سبز، سرور گیاهان و در بردارنده تخم همه درختان شناخته شده و از عصاره آن نوعی نوشیدنی سازند (افضل طوسی، ۱۳۹۷: ۲۱۸؛ خلیج‌امیرحسینی، ۱۳۹۱: ۲۰).

۲۰- از جمله متفکران و نشانه‌شناسان قرن بیستم (۱۹۸۰-۱۹۱۵ میلادی) فرانسه (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۱۰).

۲۱- کاربرد عملی زبان در شکل طبیعی دال را گویند (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۴).

۲۲- نخستین پدر و مادر گیاهی بشر که از چکیده شدن آب پشت کیبومرث (نخستین انسان در اساطیر ایران که تحت حمایت اهورامزدا بود) بر زمین متولد شدند و روح انسانی بر آنان دمیده شد (طاهری، ۱۳۹۶: ۳۴؛ خلیج‌امیرحسینی، ۱۳۹۱: ۲۱).

۲۳- «خدایی است که با باران ارتباط دارد؛ از این رو، اصل همه آب‌ها، سرچشمه باران و باروری است» (دادور و روزبهانی، ۱۳۹۸: ۶۷).

منابع:

- احمدی، بابک (۱۳۹۵) *ساختار و تأویل متن*، تهران: مرکز.
- افضل طوسی، عفت‌السادات (۱۳۹۷) *طبیعت در هنر باستان*، تهران: مرکب هنر.
- اوکویبرک، استینسون، ویگ، بون، کایتون (۱۳۹۴) *مبانی هنر: نظریه و عمل*، ترجمه محمد رضا یگانه‌دوست، تهران: سمت.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۵) *جامعه‌شناسی اخلاقی هنر*، تهران: سوره مهر.
- پیامنی، بهناز (۱۳۸۹) «نگاهی به جایگاه درختان و گیاهان مقدس با تکیه بر باورهای عامیانه در شاهنامه فردوسی»، *کتاب ماه ادبیات*، ۳۴-۴۰، (۳۷)۴.
- حجازی، بهجت‌السادات (۱۳۸۱) «دین و اسطوره در اندیشه فردوسی»، *ساخت*، ۱۷(۳۳)، ۲۵۳-۲۷۲.
- خاتمی، محمود (۱۳۹۰) *پیش‌درآمد فلسفه‌ای برای هنر ایرانی*، تهران: متن.
- خلیج‌امیرحسینی، مرتضی (۱۳۹۱) *رموز نهفته در هنر نگارگری*، تهران: کتاب آبان.
- دادور، ابوالقاسم؛ روزبهانی، رؤیا (۱۳۹۸) «بازتاب طبیعت در گستره اساطیر ایران»، *جلوه هنر*، ۱۱(۱)، ۶۳-۷۲.
- زارع‌زاده، فهیمه؛ یارعلی، ژیللا (۱۳۹۸) «بررسی نشانه‌های انسانی اسطوره‌ای در نگاره‌های شاهنامه شامل (۱۰۰۷-۱۰۲۷ق)»، *گرافیک و نقاشی*، ۲(۳)، ۱۳۶-۱۵۰.
- شادقزوینی، پریسا (۱۳۸۹) «مبانی زیباشناختی نقاشی سنتی ایران از منظر حکمت هنر دینی»، *کتاب ماه هنر*، ۱۳(۱۴۳)، ۶۰-۶۷.
- شریف‌زاده، عبدالمجید (۱۳۹۳) *شاهنامه‌نگاری در ایران*، تهران: سوره مهر.
- طاهری، صدرالدین (۱۳۹۶) *نشانه‌شناسی کهن‌الگوها در هنر ایران باستان و سرزمین‌های همجوار*، تهران: شورآفرین.
- کربن، هانری (۱۳۹۰) *واقع‌نگاری رنگ‌ها و علم میزان*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: سوفیا.
- محمودی، سرور (۱۳۹۱) *سیر تحول نباتات و گیاهان (درخت) در نگارگری ایران قرن ۷ تا ۱۰ق*، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- لطیفیان، نارملا؛ شایسته فر، مهناز (۱۳۸۱) «بررسی ویژگی‌ها و مطالعه تطبیقی نگاره‌های ایرانی دوران تیموری و صفوی (دو شاهنامه بایسنقری- شاه طهماسبی)»، *مدرس هنر*، ۱(۲)، ۵۵-۶۶.
- نجفی، مریم؛ افشاری، مرتضی (۱۳۹۰) «ویژگی‌های بصری درختان در نگارگری ایران»، *کتاب ماه هنر*، ۱۴(۱۶۲)، ۸۵-۸۲.

References:

- Afzaltousi, E. (2018) *Nature in ancient art*. Tehran: Markab-e-Sepid, (Text in Persian).
- Ahmadi, B. (2016). *The text-structure and textual interpretation*. Tehran: Nashr-e-Markaz, (Text in Persian).
- Bolkhari Ghehi, H. (2016). *Ethical Sociology of Art*, Tehran: Soore Mehr, (Text in Persian).
- Dadvar, Gh., & Rouzbahani, R. (2019). The Reflection of Nature in Iran's Mythology, *jelve-y-honar*, 11(1), 63-72, (Text in Persian).
- Corbin, H. (2011). *Temple and contemplation*, (Inshallah Rahmati Trans., 1992). Tehran: Sophia, (Text in Persian).

in Persian).

- Hejazi, B.S. (2002). "Religion and myth in Ferdowsi's thought." *Journal of Recognition*, 17(33), 253-272, (Text in Persian).
- Khalaj Amir Hosseini, M. (2012). *Secrets in the art of miniature painting*. Tehran: AbanBook, (Text in Persian).
- Latifian, N., & Shayestehfar, M. (2002). "A comparative study of Persian miniatures of the timurid and safavid periods shahnameh baysonguri-shah tahmasby." *The Mod Ares Semiannual Art*, 1(2), 55-66, (Text in Persian).
- Mahmoodi, S. (2012). *The evolution of herbal motives (tree) at Iranian miniature of seventh to tenth century*, (Nasrin Atighehchi; Parviz Heidarzadeh Advisor, 2012). Tehran: Islamic Azad University, (Text in Persian)†
- Najafi, M., & Afshari, M. (2011). "Visual characteristics of Trees in Iranian painting." *Iran Book House*, 14(162), 82-85, (Text in Persian).
- Ocvirk, O., Stinson, R., Wigg, P., Bone, R., Cayton, D. (2017). *Art fundamentals: Theory and practice*, (Mohammad Reza Yeganedoust, Trans., 2011). Tehran: Samt, (Text in Persian). Payamani, B. (2010). "A look at the position of sacred trees and plants based on folk beliefs in Ferdowsi's Shahnameh". *Iran Book House*, 4(37), 34-40, (Text in Persian)†
- Khatami, M. (2011). *Prolegomena for a philosophy of Persian art*. Tehran: Matn, (Text in Persian).
- Shad Qazvini, P. (2010). "The base aesthetic of the Persian painting from spectrum of sacred art." *Iran Book House*, 13(143), 60-67, (Text in Persian).
- Sharifzadeh, A.M. (2014). *Paintings of Shahnameh in Iran*. Tehran: Soore Mehr, (Text in Persian)†
- Taheri, S. (2017). *The semiotics of archetypes in the art of ancient IRAN and its adjacent cultures*. Tehran: Shorafarin, (Text in Persian)†
- Zarezadeh, F., & Yarali, J. (2020). "Mythological human signs Shamloo shahnameh(1007-1027AH)." *Alzahra Research Journal of Graphic Art and Painting*, 2(3), 136-150, (Text in Persian).

Readout of the Linguistic Function of Sacred Plants in the Painting of Shahnamehs from the 9th to 11th Century A.H

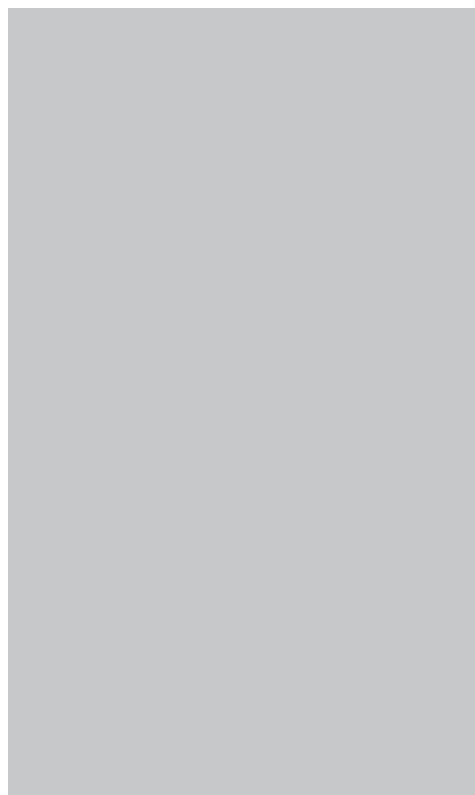
Abstract:

Today, there is no doubt that many artists throughout human history have been able to frequently conceal special concepts in their works. The following paper has addressed this issue adopting a comparative approach as well as quantitative and qualitative data mediation. This study aims at distinguishing the existing secrets and symbols in the schools of art. Symbols can take on a new structure due to the valuable role of plants, including links to biological affairs.

From this perspective, the discoveries of this work in an attempt to answer the question entitled “What is the role of sacred plants in the Shahnameh illustrations of the schools of Herat, Tabriz II and Qazvin?” shows that some of the visual features of the illustrations such as the plants’ counts, have transformed the function of their green and occasionally dry appearance. An action that is expected to take on the role of a new character to reach a wondrous anecdote.

An event that seems to have been initially formed by the reduction of naturalistic notions, and subsequently made the mission of their decorative and non-decorative devices dependent on the understanding of the concealed message of the illustrations; for a call to occur and tell a different form of an ancient story with the idealism and imagination of the artists of the 9th to 11th centuries AH. Finally, by combining the existing narrative and imitating the common formats, becoming the unrivaled ruler of the audience.

An emerging phenomenon that may not be found in the oldest examples of existing Shahnamehs. The meritorious choice, arising from the combination of sacred plant species, the distinct sciences, such as quantity (num-



■ Mazdak Nazari

Instructor, Department of TV And Digital Arts, Eram Higher Education Institute, Shiraz, Iran, Corresponding author.
nazari.mazdak@gmail.com

■ Afsaneh Tabe

Instructor, Department of Graphic, Apadana Higher Education Institute, Shiraz, Iran.
afsaneh.tabe@gmail.com

Date Received: 2022-10-17

Date Accepted: 2022-11-30

1-DOI: 10.22051/PGR.2022.42050.1195

bers) and statistics, the division of space, the placement of elements and other existing features that have been the basis for the evaluation of the modern narratives of each school.

The duality that arose from the ancient representation of the patterns and epic literature of Iran; in line with its semantic order and linguistic units play a decisive role. Relations of companionships and successions who have spared no effort to convey a new identity.

A social movement changed the artistic discourse of illustrating Shahnameh and created a stable tradition of beauty in minds during different eras. Images, according to Russian formalist experts, are expressed with the indicators of the author's mind, language, and thought and with an unconventional purpose. A format that the authors of this literature believe the current data similarities and differences in the charts and graphical tables, present the discussed plant format with the modern frameworks of the time and align it with Propp's imitative theory of indicators and character building.

The hypothesis is based on Harold Bloom's theory. The apprehension of impressionability (imitation) and then, influencing the traditions and justifying the artist's ideas play a significant role in it. Moreover, based on the substitution index and the sequence of Propp's special roles, it requires similarities, structural alignment, and a specific number of fixed plant elements in monographs, so that it evaluates plants as having a new identity and a different narrative from the original story.

An event that has placed the tradition and modernity of the time in proximity to each other; and we imagine the following reasons for it:

1. Insignificant decrease in the number of paintings until the end of the 11th century AH.
2. The number of illustrations with plant

portrayals was counted as odd until the end of the 10th century and counting it as even after the aforementioned century.

3. The similarity of the L-shaped linear proportions in the data obtained from curve number 2, according to the plant trilogy proportions of all the plants of the illustrations from the schools of Herat, Tabriz II, and Qazvin (deciduous, evergreen and fruits).

4. The often identical structure of the linear form of X in curve number 3, is created in the direction of the main ratios (deciduousness and being evergreen) of sacred plants.

5. Concealing sacred plants in the vicinity of other plants based on the relationship in diagrams numbers 2 and 3.

6. The coordination of artists in the separation of dry plants in curve number 3, is in agreement with the mythical opportunities obtained from our ancestors.

7. Adjusting the W-shaped data, located in curve number 4, shows the special symmetry of the locations of the plants placed in each illustrated book.

8. Mutual structure in the balance of the visual frame and the position of the plants of most of the investigated periods based on symmetric, asymmetric, and radial balances.

9. Evaluation of the ratio of 4 to 1 in the average ratio of deciduousness and being evergreen for all plants and 1 to 1.5 ratio in sacred plants.

10. Counting the equivalent of 34 independent plant characters with dissimilar human characteristics in table number 1 in monographs.

Thus, we believe that all the existing occurrences (similarities and differences) and the alignment formed in them were not unintentional and Propp's theory has strengthened in an Iranianized narrative. An interpretation that we believe has played a significant role in revealing the hidden

culture of Pars and creating more identity for it. Moreover, assuming the acceptance of the scientific beliefs of the predecessors and Propp's theory, we will witness the perversity or decent behavior of the new characters of Shahnameh.

Nevertheless, the hierarchy of the process in the sacred plants of this literature expresses a different portrait from the incomplete and mere realistic view with principles, beliefs, and attitudes of painting, which can transform any content with the support of artistic movements and its inquisitive mind. A content that, according to the belief of Russian experts, can today take a different form of plant species and older days; At a particular time, its natural aspect is considered, or at older times as a human character observing the actions of the actors in the story, establishes its position. At times the partner of the protagonist, whilst other times turns out to be an unbridled enemy of him.

Therefore, what emerges from this research is the horizon and new rules of an artist who, to transform the previous narratives of the Shahnameh, created a new conundrum scheme with new actors (plants) and considered the audience to be an ideal reader who understands his will to achieve high morals.

With this description, we can admissibly accept that the epic poems of Shahnameh, despite the painter's accurate visual interpretation of the first anecdote, is a different linguistic occurrence that has a special meaning transformation based on the companionship of the existing items, and as various experts have suggested, the poetic translation in any form will be the result of the collector's (herein the painter) interpretation of the work. Considering that the speculations indicate the instrumentality of flowers and sacred trees to help find content that justifies their function in the transition of thoughts or pursuit the communication

between people, with this credit, some of the existing art forms will have the merit of re-interpreting and re-theorizing.

Therefore, the authors of this piece of literary work believe that the inherent role or purpose of sacred plants in the depiction of Shahnamehs of the Timurid and Safavid dynasties is as follows:

A. The plant arrays of the abovementioned eras, due to the cultural, social, and political geography of the time, have taken a dual role of a) decorative (in appearance) and b) non-decorative (implicit), which has spread onto the art of Pars at times with the motive of beautifying the space or temporal alteration of the narrative in the process of a fictional story and sometimes by novel characterization.

B. In this regard, it seems that the plants of the present discussion, due to the formation of implicit characters concealed in them, have assumed the role of a silent or remonstrating witness of humankind's behavioral history.

C. Or, depending on the time and the recognition of the author and his ideal audience tells a new story in the heart of an old play.

D. Or, due to the growth process of plants, the painter's religious attitude has been entrusted with the task of moving the linguistic boundaries relying on the endless life and a new narrative.

E. A structure that is remarkably aligned with the opinions of other researchers, but so far, the ability to decipher it with such features in the solitude of paintings (monographs) did not exist, except by collecting data that has been clarified based on statistics in all paintings.

F. Hence, it is expected that despite all the veiling of the artist, the plant-derived proportions (statistical events) caused a part of the classic effectiveness of the works (adherence to the preceding values); and the status of flowers and trees had undergone his fundamental and spiritual variations. He

has placed his ideal audience before him in search of an unfamiliar truth and has taken a step in hope of a utopia that is yet to be seen.

Keywords: Sacred Plants, Miniature Painting, Shahnameh, Herat School, Tabriz School II, Qazvin School.